

جامعه‌ای که داعیه هدایت انسان‌ها را دارد و مدیران حکومت دینی که خود را منتسب به حکومت علوی می‌دانند، به راستی باید رفتاری زیبنده جامعه علوی و مدیریت و رفتاری علوی داشته باشد. سالی که در پیش‌روی داریم، مزین به سال مولی و تحقق رفتار علوی است. به همین مناسبت، این مقال‌گونه نیم‌نگاهی به اوصاف مدیران در یک جامعه علوی دارد. باشد تا با الگوگیری از جامعه و حکومت علوی، در سال مولی، مدیران شایسته‌ای برای جامعه اسلامی انتخاب کنیم. مدیران نیز پیش از پیش در جامعه اسلامی خود را به اوصاف مدیران علوی نزدیک کنند.

حضرت علی علیه السلام در راستای تشکیل حکومت دینی، ابتدا به مسأله نیروی دفاعی و ارتش قدرتمند اسلام پرداخته و سپس به کارکنان و کارگزاران حکومت، قضات، امور تجاری، صنعتی و اقتصادی، عطف توجه نموده و سرانجام به مسائل مربوط به نیازمندان و محرومان جامعه می‌پردازند در فرمانی به مالک‌اشتر به مشاوران و کارگزاران حکومتی و اجرایی دستور می‌دهد که وزرای خود را از میان افراد خوش‌سابقه، آگاه، صریح‌اللهجه، اهل صداقت و به دور از هرگونه تملق و چاپلوسی برگزینند و در همه حال، در تشخیص مصالح کشور با علماء و خردمندان مشورت نمایند. (۱۵)

اوصاف و ویژگی‌های یک مدیر علوی و لایق از منظر حضرت علی علیه السلام بدین قرار است:

۱. علم و آگاهی در بالاترین سطح
۲. سعه صدر و گشادگی فکر و آمادگی پذیرش حوادث مختلف. اله‌الریاسه سعه الصدر، ابزار ریاست و مدیریت سعه صدر و گشادگی روح و فکر و تحمل فراوان است.
۳. آگاهی به مسایل زمان
۴. رعایت عدالت و عدم تبعیض در میان مردم؛ سه چیز است اگر آن را به خوبی حفظ کنید و عملی نمایی تو را از امور دیگر بی‌نیاز می‌کند و اگر آنها را ترک نمایی چیزی نیز از آن تو را سود نمی‌دهد.
- الف- اجرای حدود الهی نسبت به افراد دور و نزدیک؛
- ب- حکم بر طبق کتاب خدا در خشنودی و غضب؛
- ج- تقسیم عدالت در میان سیاه و سفید؛
۵. توجه به پاداش نیکوکاران و گذشت و اغماض نسبت به گنهکارانی که امید به بازگشت و توبه دارند؛
۶. منافع مردم و خویش را یکسان دیدن.

جامعه مدی را



بخلوی نوع‌لوی

از جمله توصیه‌هایی که علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر داد، هنگامی بود که او را به زمامداری مصر برگزید. وی می‌فرماید: برای عموم مردم چیزی را دوست بدار که برای خود و خانواده خود دوست می‌داری و برای آنها چیزی را ناخوش دار که برای خود و خانواده خود ناخوش داری. چرا که این کار منطق تو را قوی‌تر می‌کند و مردم را به صلاح و اصلاح نزدیکتر می‌سازد.

۷. پیوند عاطفی با مردم؛
در بعضی از روایات اسلامی سلطان عادل به منزله پدر شمرده می‌شود و به مردم توصیه شده که همانند پدر او را گرامی دارند. مفهوم سخن این است که او هم باید با چشم فرزندی نگاه کند و به این ترتیب یک رابطه عاطفی نیرومند آن‌گونه که میان پدر و فرزندان حاکم است، میان او و مردم برقرار باشد.

۸. دوری از بخل، جهل و نادانی، جفا و ستم؛
شما می‌دانید که کسی که بر نوامیس، خون‌ها، غنائم، احکام مسلمین حکومت می‌کند نباید بخیل باشد. مبادا در جمع‌آوری اموال آنان برای خویش حرص ورزد و نباید جاهل و نادان باشد که با جهلش آنها را گمراه می‌سازد و نه جنایتکار باشد که پیوندهای آنها را بگسلد و نه ستمکار که گروهی را بی‌دلیل بر گروهی دیگر مقدم دارد و نه رشوه‌خوار در قضاوت که حقوق آنها را پایمال کند و در رساندن حق به صاحبش کوتاهی ورزد و نه تعطیل‌کننده سنت پیامبر صلی الله علیه و آله که امت را به هلاکت بیفکند: (هیچ یک از اینها شایسته حکومت و وزارت نیستند).

۹. دوری از سازشکاری و هماهنگی با اهل باطل؛
فرمان خدا را تنها کسی می‌تواند برپا دارد که سازشکار نباشد و با روش اهل باطل عمل نکند و پیرو فرمان طمع نگردد.

۱۰. به مقام و منصب خویش به چشم امانت بنگرد.
این نکته قابل توجه است که در روایات پُست‌ها و مناصب و مقام‌ها در حکومت اسلامی به عنوان امانت الهی معرفی شده است نه به عنوان یک وسیله برتری‌جویی و استفاده شخصی. حتی در بعضی از آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است.

خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش بسپارید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید از روی عدالت داوری کنید، خداوند پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد. خداوند شنوا و بیناست. (۱۶)

پی‌نوشت

۱- ر.ک. به: نهج البلاغه، فرمان امام به مالک اشتر

۲- سوره نساء/ ۵۸